

# مجلس را مرحمت می‌کنند

کاظم کردوانی



با صدای بلند بگوئیم، همزاد "انتخاب"، "آزادی" است؛ بگوئیم، آنچه در ایران به نام "انتخابات مجلس" برگزار می‌شود، هیچ عنصری جز نام از "انتخابات"، ندارد؛ بگوئیم، آنچه امروز در ایران شاهد آن هستیم نه انتخابات که مراسم توهین به ملت بزرگ ایران است؛ بگوئیم، در این توهین بزرگ به ایران و ایرانی شرکت نمی‌کنیم؛ بگوئیم، شرکت در آن را تحریم می‌کنیم.

معروف است که میرزا احمدخان مشیرالسلطنه، در زمان استبداد صغیر (همو که در زمان توپ بستن مجلس نیز رئیس الوزراء بود) در میانه کشمکش‌های میان مجلسیان و طرفداران مشروطیت با محمد علی شاه، گفته بود: «شاه مجلس را مرحمت می‌کنند، با این شرط که وکلا در سیاست دخالت ننمایند!»

قریب سیصد سال پیش از آن تاریخ، شاه خودکامه دیگری (اما در مهد پارلمان) چارلز اول (۱)، تنها پادشاه انگلیس که بر دار کشیده شد، آن هم بر اساس درگیری و مبارزه‌اش با مجلس؛ از فراز سکوی دار، آخرین خطابش به مردم چنین بود: «آزادی، حق مشارکت داشتن در حکومت نیست. حکومت چیزی نیست که به مردم تعلق داشته باشد!»

اگر جوهر سیاست و دخالت در سیاست را حق مشارکت در تعیین زندگی و سرنوشت خود و جامعه - و هم چنین حق مشارکت در حکومت - بدانیم، نگاه غالب هیئت‌های حاکمه ایران به مجلس، از بدو پایه گذاری این رکن اساسی مشروطیت و حکومت قانون، همان سخنی است که میرزا احمد خان مشیرالسلطنه گفته است؛ وکلا، نمایندگان مردم، نباید در سیاست دخالت کنند! چون، نه مردم که خود را مالک مملکت می‌دانسته‌اند و می‌دانند (۲).

از پیروزی انقلاب مشروطه تا انقلاب ۵۷، بیست و چهار دوره مجلس شورای ملی تشکیل شد.

از مجلس اول (که اساس این نهاد پایه گذاری شد) تا مجلس پنجم، در زمان سلطنت قاجاریه تشکیل شد که حدیث آن و فراز و فرودهای آن بر می‌گردد به تاریخ پرتلاطم پس از پیروزی انقلاب مشروطه که خود حکایت

مفصلی است که موضوع بحث این نوشته نیست. در زمان سلطنت رضا شاه (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰) هفت دوره (۳) و در زمان سلطنت محمد رضا شاه (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷) دوازده دوره<sup>۴</sup> مجلس شورای ملی تشکیل شد.

در دوره<sup>۴</sup> رضا شاه، چیزی به نام مجلس و انتخابات مجلس به معنایی که انقلاب مشروطیت و قانون اساسی حاصل از آن می‌فهمید و به مفهومی که ما درک می‌کنیم، اصولاً وجود خارجی نداشت. چه در دورانی که وزارت دربار پهلوی وجود داشت (که عبدالحسین تیمورتاش وزیر و مرد مقتدر و توانای آن دوران سکان دار آن بود) و چه در دورانی که در غیاب وزارت دربار، وزارت داخله اجرای فرمان‌های شاه را به عهده داشت؛ انتخابات مجلس و تعیین وکلا بر اساس منویات شخص اول مملکت صورت می‌گرفت و احدی را یارای مخالفت با شاه نبود. نمایندگان مجلس، امربرهای مطیع شاه بودند و هیچ نماینده‌ای در مخیله‌اش هم خطور نمی‌کرد که در سیاست «دخاله کند». تاریخ ایران در این عرصه آن چنان روشن است که هیچ مورخ و روشنفکر و اهل سیاستی نه دیروز وجود داشته است و نه امروز وجود دارد که سخنی در باب آزادی و آزادی انتخاب و انتخابات در دوره<sup>۴</sup> رضا شاه بگوید. با این همه، بی‌مناسبت نمی‌دانیم که چند جمله‌ای از یک سند تاریخی را نقل کنیم که آئینه<sup>۴</sup> تمام نمای نگاه و درک رضا شاه و دستگاه تحت امرش به انتخابات و مجلس بود. در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۰۹، تیمورتاش، وزیر دربار، طی بخش نامه<sup>۴</sup> محرمانه‌ای به حکام ایالات سراسر کشور در خصوص نحوه<sup>۴</sup> برگزاری انتخابات دوره<sup>۴</sup> هشتم مجلس، از جمله چنین حکم می‌کند: «متحدالمآل (۴)

حکام ایالات شمال و شرق و غرب و جنوب

در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزراء و وزارت جلیله داخله، طبق اوامر ملوکانه، در قسمت انتخابات دوره ۸ و انتخاب نماینده جهت مجلس شورای ملی لزوماً اعلام می‌دارد طبق صورتی که ارسال گردیده است باید جدیدت لازمه به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلی حضرت اقدس شهریاری علاقمند هستند که باید اشخاص مفصلة المندرجه در صورت لَف (۵)، باید به هر قیمتی باشد انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصر بدیهی است مورد بی‌میلی اعلیحضرت واقع خواهد شد. با رعایت مواد مشروحه ذیل، راپرت جلسات خودتان را به وزارت دربار ارسال دارید.

۱ - در صورتی که جهت انجام این مأموریت را ندارید، از تاریخ ملاحظه حکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهید.

۲ - اشخاصی که باعث ناکت (۶) و بعلاوه در صدد هستند که نماینده به میل خودشان انتخاب کنند، از عملیات آنها جلوگیری به عمل آورید. در صورتی که به مخالفت خودشان باقی هستند فوراً آنها را تبعید نمائید. / ... /

۵- طبق اعلان صادره، مجالس (۷) را آزاد بگذارید، ولی آزادی آنها باید طوری باشد که باعث تخریب عملیات و انتظامات محلی نشود. در کلیه مجالس باید مأموران مخفی شما حاضر و ناظر باشند. / ... /

۸ - در کلیه قضایا طبق امر همایونی باید با مشورت اداره قشونی حوزه حکومتی خودتان اقدام شود [و] با مشورت هم امر انتخابات خاتمه یابد.

۹- در صورتی که اشخاص میل به وکالت داشته باشند، باید آنها را قبلاً نصیحت و بعداً تهدید، در صورتی که به جلسات خودشان ادامه دهند، راپرت دهید تا تبعید شوند. / ... /

۱۳ - بدیهی است در صورتی که کاملاً معلوم شد که موفقیت کامل حاصل نکرده‌اید، البته اقدام دیگری در صندوق آراء خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد.

تیمورتاش» (۸)

حتا نمایندگان که با این زمینه سازی‌ها «انتخاب» می‌شدند، در دایره<sup>۴</sup> مسایل نه چندان مرتبط با امر<sup>۵</sup> مستقیم مشارکت سیاسی نیز اراده‌ای نداشتند. در یکی از دوره‌های مجلس که حاج محتشم السلطنه (میرزا حسن اسفندیاری) (۹) ریاست آن را به عهده داشت، به هنگام طرح لایحه<sup>۶</sup> انحصار دخانیات، گویا چند نماینده مختصر اما و اگرها و چند و چونی کرده بودند، این موضوع را به رضا شاه اطلاع می‌دهند که بسیار متغیر می‌شود و به رئیس مجلس که او را «حاجی» خطاب می‌کرد می‌گوید: خجالت نمی‌کشی؟ در طویله را ببندم تا خیالتان راحت شود!؟

در دوران رضا شاه بود که برای نخستین بار، بنا به خواست و امر شاه، مصونیت پارلمانی نمایندگان مجلس سلب شد و سلب مصونیت از نمایندگان مجلس به یک سنت سیاسی تبدیل شد و بارها به اجرا در آمد. امری که به گونه‌ای دیگر در دوره<sup>۷</sup> ششم مجلس شورای اسلامی به وقوع پیوست و تا به زندان افکنده شدن نماینده‌ای به دلیل اظهار نظر در صحن مجلس، نیز انجامید (۱۰).

پس از شهریور ۲۰ و به تخت سلطنت نشستن محمد رضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، انتخابات مجلس فراز و فرودهای فراوانی را پشت سر گذاشت. در این دوره<sup>۱</sup> دوازده ساله، شاه که از او به نام «شاه جوان بخت» و کسی که در سوئیس تحصیل کرده است و بر خلاف پدر طرفدار دموکراسی است و... یاد شده بود، صاحب آن اختیار و قدرت مطلقه‌ای که بعدها تعبیه کرد، نبود. اوضاع کشور آن چنان تحت تأثیر وضعیت بین‌المللی و به میدان آمدن نیروهای گوناگون و تازه نفس اپوزیسیون و تلاطم‌های حاصل از آن‌ها بود که طی دوازده سال، ایران شاهد نخست‌وزیری ۱۳ نفر و تشکیل ۲۹ کابینه بود (۱۱). عمر دوران نخست‌وزیری پنج نخست‌وزیر، کمتر از چهار ماه بود.

به دلیل وضعیت آن روز ایران و موقعیت ضعیف شاه و عدم امکان اجرای سیاست مطلقه<sup>۲</sup> استبدادی و وضعیت بین‌المللی آن دوران، خلأ قدرتی در کشور به وجود آمد. این خلأ قدرت، فضای بازی را برای نیروهای سیاسی که پس از دیکتاتوری رضا شاه به میدان آمده بودند، ایجاد کرد و آن‌ها توانستند با فعالیت‌های سیاسی خود در زمینه‌های مختلف جامعه، در انتخابات مجلس نیز مؤثر باشند. اما در همین وضعیت نیز، شاه و دربار به شکل‌های مختلف کوشیدند در امر مجلس و انتخابات دخالت کنند. یکی از موضوع‌های دائمی و جنجال برانگیز آن دوران که در مطبوعات آن زمان نیز انعکاس وسیعی داشت، همین دخالت‌های غیر قانونی شاه و دربار در انتخابات و مجلس بود. گفتنی است که برنامه<sup>۳</sup> دولت دکتر مصدق تنها دو ماده<sup>۴</sup> اساسی داشت، یکی ملی کردن صنعت نفت و دیگری اصلاح قانون انتخابات بود.

پس از ۲۸ مرداد ۳۲، اوضاع ایران به گونه‌ای دیگر رقم خورد و بار دیگر انتخابات و سرنوشت مجلس به منویات و خواسته‌های شخص اول مملکت گره خورد و سرانجام مجلس تحت فرمان بی‌چون و چرای شاه در آمد.

در فاصله<sup>۵</sup> ۲۸ مرداد ۳۲ تا آخرین روزهای تیر ۱۳۴۱ (استعفای علی‌امینی از مقام نخست‌وزیری) پس از سرکوب کلیه<sup>۶</sup> سازمان‌های سیاسی نظیر حزب توده و جبهه ملی و اعدام‌ها و به زندان افکندن‌ها، صحنه<sup>۷</sup> سیاسی ایران با جذر و مدهای فراوانی روبرو بود، از آن جمله‌اند: لغو انتخابات دوره<sup>۸</sup> نخست‌وزیری دکتر اقبال (فرودین ۱۳۳۶ - شهریور ۱۳۳۹) (۱۲) و بعد دوران نخست‌وزیری جعفر شریف‌امامی (۹ شهریور ۱۳۳۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۰) و سر بر آوردن جنبش دانش‌آموزی و جنبش معلمین و سپس پذیرش اصلاحات از سوی شاه زیر فشار شدید آمریکایی‌ها و برسر کار آمدن دولت دکتر علی‌امینی و گشوده شدن نسبی فضای سیاسی و به میدان آمدن مجدد جبهه ملی و...

با نخست وزیری اسدالله علم (تیر ماه ۱۳۴۱) دوران جدیدی از سلطه قدرت شاه آغاز می‌شود. دوران جدیدی که اقتدار شاه، با سرکوب همه مخالفان و خانه نشین کردن کلیه شخصیت‌های مستقل و منتقد (حتا وفادار به سلطنت) و با تکیه به سه برابر شدن پول نفت، در سال‌های ۵۰ به اوج خود می‌رسد و «کمال» این اوج، تشکیل حزب «رستاخیز» است و دست اندازی‌های گسترده و بی‌در و پیکر شاه است به تمام ساحت‌های زندگی در ایران که به تبع آن مجلس نیز مطابق النعل بالنعل بر اساس منویات و خواسته‌های فردی شاه شکل می‌گیرد. شاید بهترین نمونه و مستندترین آن، کلام خود شاه باشد در مصاحبه‌اش با سرگزارشگر رادیو-فرانس در آن زمان. در این مصاحبه، شاه در باره مجلس و انتخابات دوره «رستاخیز» چنین می‌گوید: «گرایشها [منظور گزارش‌های درون حزب و مجلس است]... اما، موضوع روشن باشد، خیلی مشکل است که در برابر رفرم‌هایی که ما عرضه می‌کنیم، مخالفت کرد. نمایندگان، تنها می‌توانند واقعاً در باره برخی شیوه‌ها، شاید برخی اشخاص، برخی سازمان‌ها بحث کنند، این امکان دارد. اما شما فکر می‌کنید چه کسی می‌تواند در این کشور در باره رفرم‌ها بحث کند؟ صادقانه می‌گویم، فکر نمی‌کنم کسان زیادی وجود داشته باشند که به این فکر بیافتند. من سعی می‌کنم اطلاع کسب کنم: صدها و صدها استاد دانشگاه، تمام این مسائل را برای من مطالعه می‌کنند و هرگز اتفاق نیافتاده است که آن‌ها آمده باشند و به من گفته باشند که در باره خود رفرم‌ها بحثی شده باشد. هرگز» (۱۳) و آن‌گاه که مصاحبه کننده از شاه می‌پرسد که آیا این سخنان به معنای وجود نامزد و نامزدهای واحد است، شاه می‌گوید: «خیر، بر عکس؛ آخرین انتخابات مجلس که چند ماه پیش برگزار شد، سالم‌ترین، شرافتمندانه‌ترین انتخاباتی بود که تا به حال کشور به خود دیده است. حزب «واحد» (۱۴)، آن طور که گفته می‌شود، برای هر کرسی مجلس تا پنج نامزد را [انتخاب کرده است] و به انتخاب [مردم] گذاشته است؛ در هر موردی همیشه بیش از دو نفر، و غالباً میان سه تا پنج نامزد» (۱۵). در حقیقت، اگر امروز شورای نگهبان میان کسانی که داوطلب نمایندگی مجلس می‌شوند، صلاحیت عده زیادی را رد می‌کند و عده‌ای را می‌پذیرد؛ در آن دوران، حزب رستاخیز «زحمت» مردم و نامزدها را می‌کشید و خود از پیش و به رأی خود نامزدها را انتخاب می‌کرد! در واقع برای نخستین بار در تاریخ قانون گذاری و مجلس ایران، انتخابات مجلس به طور رسمی دو مرحله‌ای شد! یک مرحله، حزب رستاخیز، نامزدها را انتخاب می‌کرد و در مرحله دوم، مردم به نامزدهای تعیین شده و تصویب شده دولتی، رأی می‌دادند. با این همه و با همه این ترتیبات، حتا میان همان نامزدهای رسماً تصویب شده دستگاه، اگر رأی شرکت کنندگان در

انتخابات شامل حال شخص مورد نظر دستگاه (زیر نظر مستقیم شاه) نبود، رأیشان پذیرفته نمی‌شد. این موضوع، به خصوص در شهرستان‌ها که همواره مسائل محلی سهم بزرگی دارند، بیشتر قابل رؤیت بود. خود، چند بار از اعضای شورای نظارت بر انتخابات چند شهر در آن دوران شنیده‌ام، که نام نامزد مورد نظر ساواک و دستگاه، پیش از پایان شمارش آرای صندوق‌های انتخاباتی، از رادیو و تلویزیون اعلام شده است!

پس از انقلاب، موضوع انتخابات مجلس به گونه دیگری رقم خورد.

پس از برچیده شدن نهاد سلطنت در ایران، نهادی دست کم با سه هزار سال سابقه، و در جو پر شور انقلابی و گسترده بودن فریادهای آزادی خواهی و مبارز با دیکتاتوری، در نخستین دوره انتخابات مجلس (اسفند ماه ۵۸ - افتتاح مجلس خرداد ماه ۵۹)، حاکمان جدید قادر نبودند همه آنچه در دل داشتند، در عمل پیاده کنند. به رغم دست اندازی‌ها و تقلب‌های اینجا و آنجا و رد اعتبارنامه دوازده نفر و راه ندادن برخی از نامزدهای انتخاب شده به مجلس (۱۶)، در مجموع انتخاباتی بود نسبتاً آزاد. در این انتخابات چند جریان چپ و جبهه ملی و نهضت آزادی و... شرکت کردند و نامزدهای خود را اعلام کردند که البته تنها نهضت آزادی و جنبش مسلمانان مبارز توانستند چند تن از نامزدهای خود را به مجلس بفرستند. اما، همین مجلس که با نام «مجلس شورای ملی» تشکیل شده بود، با رأی اکثریت نمایندگان که به «حزب جمهوری اسلامی» تعلق داشتند، به «مجلس شورای اسلامی» تغییر نام یافت.

از دوره دوم مجلس شورای اسلامی (افتتاح: خرداد ۱۳۶۳)، مجلس در ایران شکل دیگری به خود می‌گیرد. در این زمان، اغلب قریب به اتفاق نیروهای مخالف و معترض از میدان رانده شده‌اند، سرکوب‌های بزرگ و اعدام‌های بزرگ انجام شده است و حکومت، انتخابات را تنها در دایره بسته «نیروهای خودی» انجام می‌دهد. در حقیقت از آن پس، مجلس تبدیل می‌شود به یکی از ابزارهای تنظیم رابطه نیروهای درون حکومت. از اولین انتخابات میان دوره‌ای دوره سوم مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۷ - ۱۳۷۱)، اعلام می‌شود که صلاحیت افراد شرکت کننده در انتخابات، باید توسط شورای نگهبان تأیید گردد. تا این تاریخ، به رغم منحصر بودن انتخاب در دایره «خودی‌ها» و عدم امکان نامزد شدن «اغیار»، از مقوله‌ای به نام «نظارت استصوابی» خبری نیست. بالاخره، در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) شورای نگهبان طبق مصوبه‌ای که در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس (با اکثریت قاطع تمامت

خواهان و محافظه کاران) رسید، صاحبِ «حق» نظارت استصوابی شد. امری که حتا با قانون اساسی جمهوری حکومت اسلامی در تضاد بود. از این تاریخ به بعد، شورای نگهبان است که در انتخابات تصمیم می‌گیرد که آیا کسی اصولاً «صلاحیت» نامزد شدن را دارد یا خیر. شورای نگهبان در قبال تصمیمی که اتخاذ می‌کند، در برابر هیچ نهادی پاسخگو نیست و اصولاً خود را ملزم به ارائه مدرک در خصوص آنچه اراده کرده است، نمی‌داند. بدین ترتیب، یک بار دیگر، انتخابات مجلس در ایران، به طور رسمی شکلی از انتخابات دو مرحله‌ای به خود می‌گیرد.

در اوایل کارِ دوره<sup>۴</sup> ششم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳)، مجلس اصلاحات و با اکثریت مطلق اصلاح طلبان، به هنگام طرح اصلاح قانون مطبوعات (از جمله برای مقابله با توقیف خودسرانه<sup>۵</sup> مطبوعات به دست دادگاه انقلاب و...)، برای نخستین بار حکم حکومتی رهبر جمهوری حکومت اسلامی صادر می‌شود و رئیس آن زمانِ مجلس (آقای کربوبی) این حکم را در صحن مجلس می‌خواند و طرح از دستور خاج می‌شود. در اواخر همین دوره، یک بار دیگر، حکم حکومتی صادر می‌شود و آن هم در خصوص انتخابات دوره<sup>۴</sup> بعد مجلس (دوره<sup>۴</sup> هفتم) است. بدین ترتیب، پی<sup>۶</sup> «مرحمتی شدن» مجلس ریخته می‌شود و به طور رسمی اعلام می‌گردد.

در جریان انتخابات دوره<sup>۴</sup> هفتم مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳ - ۱۳۸۷) یک قدم دیگر برای محدود کردن دایره<sup>۴</sup> راه یابی به مجلس برداشته شد. در دیدار با اعضای شورای نگهبان، رهبر جمهوری حکومت اسلامی از شورای نگهبان خواست تا نامزدهای نمایندگی «احراز صلاحیت» بشوند. به این معنا که از آن پس، به جز افرادی که به «دلیل» نداشتن «صلاحیت»، از نگاه شورای نگهبان، رد صلاحیت می‌شوند؛ آن‌ها که «صلاحیت»شان برای شورا «محرز» نشود، نیز امکان شرکت در انتخابات را ندارند. در واقع، بر فهرست غیر قانونی بودن (حتا بر اساس قانون اساسی فعلی)، پاسخگو نبودن، مبرا بودن از ارائه مدرک، یک مورد دیگر هم بر اختیارات بدر و پیکر شورای نگهبان اضافه شد؛ آن هم اصطلاح کُشدار و نامفهوم و دلخواهی و هزار تعریف «محرز نشدن» بود. در جریان انتخابات دوره<sup>۴</sup> هفتم، نیمی از نمایندگان مجلس ششم، صلاحیتشان برای شرکت در انتخابات رد شد.

دوره‌های هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی به گونه‌ای «مهندسی شد» که عملاً، بیش از هر زمان دیگری از انقلاب به این سو، مجلس از حوزه<sup>۴</sup> «دخالت در سیاست» بیرون رانده شد. آقای دکتر حدادعادل در دوران ریاست بر مجلس هفتم، سرسختانه بر درست بودن مشورت و رایزنی خود

با رهبر حکومت و آقای مجتبی خامنه‌ای و نظرخواهی از آنان در خصوص امور مجلس دفاع کرده است؛ آقای علی مطهری یکی از اصول‌گراترین اصول‌گرایان به شدت از کارکرد مجلس هشتم انتقاد کرده است و آن را «دفتر بیت رهبری» خوانده است. و آقای محمد محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر آقای آیت الله خامنه‌ای، در سخنرانی خود در رشت به مناسبت روز ۲۲ بهمن در سال جاری در عین گفته است که «مجلس نهم باید مطیع ولی فقیه، قدرتمند و بازوی رهبر باشد». تجسم کامل «مجلس مرحمتی»!

امروز که در آستانه «انتخابات» دوره نهم مجلس شورای اسلامی هستیم، افزون بر آنچه در خصوص سیر امر «انتخابات» در جمهوری حکومت اسلامی گفته‌ایم، رویدادی بسیار بزرگ و تعیین‌کننده در میهن ما به وقوع پیوسته است. و آن هم، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و پی آمدهای تاریخ ساز آن بود. پس از آنچه در این انتخابات اتفاق افتاد، یک برگ از تاریخ ایران برای همیشه ورق خورد. از جمله، تا این تاریخ، نگاه هیئت‌های حاکمه جمهوری حکومت اسلامی به منتقدان و مخالفان «غیر خودی»، نگاهی بود حذفی و با روش‌های سرکوبگرانه (و در صورت لزوم قهر آمیز و بسیار خشونت بار) با آنان مقابله می‌شد؛ اما در دایره بسته «خودی‌ها» هم انتقال قدرت میان جناح‌ها و گروه بندی‌های داخلی را رعایت می‌کردند و هم اینکه نتیجه رأی صندوق‌های «خودی» شده را (صد البته پس از مرحله صافی شورای نگهبان) می‌پذیرفتند. حال آنکه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، خط قرمز درون حکومتی شکسته شد و در تداوم سلطه بی‌چون و چرای آقای آیت الله خامنه‌ای، گام جدید و به یک مفهوم «بدعت آمیز» (حتا در نگاه گردانندگان حکومت) برداشته شد. و افزون بر آن، یک بار دیگر نشان داده شد که «حکومت ولایت فقیه» در بنیاد خود با آزادی مردم در تعارض است.

در آن انتخابات، چهار نفر با تأیید حاکمیت و شخص آقای آیت الله خامنه‌ای در انتخاباتی که در چارچوب معین شده و مورد تأیید شورای نگهبان برگزار شد، به میدان آمدند و میلیون‌ها ایرانی در آن (به رغم عنصر نا عادلانه و ضد دموکراتیک موجود در آن - هم چون دیگر انتخابات برگزار شده تا آن زمان) شرکت کردند و به نامزدهای مخالف نامزد تعیین شده «ولی فقیه» رأی دادند.

حاصلش را همه می‌دانیم. به سخره گرفتن و پایمال کردن رأی اکثریت شکننده‌ای که به هر دلیلی در این انتخابات شرکت کردند و به منتصب حکومت رأی مخالف دادند. به دنبال اعتراض بر نظیر جوانان و زنان و

مردان بیدار دل ما به این قلب آشکار و کودتای انتخاباتی و سر بر آوردن جنبش عظیم سبز، آن سرکوب بزرگ و آن کشتارها و آن شکنجه‌ها و آن تجاوزها و آن ننگِ غیر قابل زدودن زندان کهریزک سازماندهی شد. تنها دو سال و نیم از زمان آن همه جنایت گذشته است، آن سرکوب‌ها و آن گونه پایمال کردن خون جوانان بی‌گناه وطن ما، در حافظهٔ جمعی جامعهٔ ما هنوز حضوری جان دار دارند. هنوز آثار شکنجهٔ شکنجه شدگان از بین نرفته است؛ هنوز از زندانیان آن سرکوب بزرگ، ده‌ها تن اسیر زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های مخوف حکومت باقی مانده‌اند؛ هنوز بازماندگانِ جان باختگان راه آزادی ایران از برگذاری کوچک‌ترین مراسم برای عزیزانشان محروم هستند؛ از رهبران جنبش سبز آقایان موسوی و کروبی و خانم زهرا رهنورد در حبس خانگی به سر می‌برند. و در مقابل، آمران و عاملانِ آن همه توحش ترفیع درجه و مقام گرفته‌اند. در چنین وضعیتی، حکومتیان با بی‌پروایی خاص خود و بی‌هیچ شرم و آزر می‌چشم در چشم مردم می‌دوزند و آنان را به سخره می‌گیرند و از «انتخابات» سخن می‌گویند و آنان را فرا می‌خوانند که در این مراسم حقارت بار و تحقیر انگیز شرکت کنند!

این مملکت از آن همهٔ ماست، ما ایرانی‌ها، از هر جا که هستیم و هر طور که هستیم. سرنوشت این مملکت، سرنوشت همهٔ ماست و با مشارکت همهٔ ما و با دست‌های همهٔ ماست که ساخته می‌شود؛ بی‌هیچ حصری، بی‌هیچ استثنایی، بی‌هیچ قیمی، با صدای بلند بگوییم، همزاد «انتخاب»، «آزادی» است؛ بگوییم، آنچه در ایران به نام «انتخابات مجلس» برگزار می‌شود، هیچ عنصری جز نام از «انتخابات»، ندارد؛ بگوییم، آنچه امروز در ایران شاهد آن هستیم نه انتخابات که مراسم توهین به ملت بزرگ ایران است؛ بگوییم، در این توهین بزرگ به ایران و ایرانی شرکت نمی‌کنیم؛ بگوییم، شرکت در آن را تحریم می‌کنیم.

کاظم کردوانی

پانوشته‌ها

۱ - چارلز اول (۱۶۰۰ - ۱۶۴۹).

۲ - در جمهوری حکومت اسلامی، یکی از آشکارترین و بی‌پرده‌ترین سخنها در این عرصه، گفته‌های آقای مصباح یزدی است در «همایش زلال ولایت، در بارهٔ نقش معظم ولایت فقیه» در فروردین ماه ۱۳۸۹ در مشهد، که چشم در چشم مردم دوخت و بی‌هیچ شرمی از خود و بی‌هیچ پروایی از

دیگران، گفت: «مردم تعیین کرده‌اند یکی را برای ریاست جمهوری و... مردم چه حقی داشتند؟ مردم چه کاره‌اند که به کسی حق بدهند؟ مگر خودشان چه کاره‌اند که هم چو حقی را بدهند؟».

۳ - انتخابات هفتمین دوره مجلس در زمان سلطنت رضا شاه، یعنی دوره<sup>۴</sup> دوازدهم مجلس شورای ملی، در زمان سلطنت‌اش برگزار شد؛ اما به علت وقایع شهریور ۲۰، مجلس در زمان سلطنت محمد رضا شاه تشکیل شد.

۴ - متحدالمال: بخش نامه (فرهنگ سخن)

۵ - لَف: می‌ان، جوف (همان)

۶ - نَكث: به هم زدن معامله یا پیمانی؛ فسخ (همان)

۷ - مجالس: منظور جلسه‌هایی است که به منظور امور انتخاباتی تشکیل می‌دهند.

۸- منبع: «اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره<sup>۴</sup> پهلوی اول»، صص ۶۵ و ۶۶ و ۶۷. ناشر: «اداره کل آرشیو، اسناد، و موزه دفتر رئیس جمهور»، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸

۹ - حسن اسفندیاری، ملقب به محتشم السلطنه (۱۲۸۳ ق - ۱۳۲۳ ش)، از خاندانی قدیمی برخاسته بود. جدش منشی مخصوص عباس میرزا نایب السلطنه بود. پس از صدور فرمان مشروطیت، در تنظیم نظامنامه انتخابات با صنیع الدوله، مخبرالسلطنه، مشیرالملک، مؤتمن الملک هم کاری کرد. با قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله مخالفت کرد و به کاشان تبعید شد. از سال ۱۲۸۷ تا سال ۱۳۰۵ یازده بار به مقام وزارت رسید. در دوره‌های سوم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم نماینده مجلس بود. از دوره<sup>۴</sup> دهم تا دوره<sup>۴</sup> سیزدهم ریاست مجلس را به عهده داشت.

۱۰ - حسین لقمانیان، نماینده همدان در دوره<sup>۴</sup> ششم مجلس شورای اسلامی، دستگیر شد و پس از محکوم شدن به دو سال زندان، در زندان اوین محبوس شد. پس از آبستراکسیون نمایندگان اصلاح طلب و تهدید آقای کروبوی، رئیس مجلس، با موافقت آقای خامنه‌ای آزاد شد. در دوره‌ای که آقای شاهرودی ریاست قوه<sup>۴</sup> قضائیه را به عهده داشت، برای نخستین بار مصونیت قضایی نمایندگان هم لغو شد و نزدیک به شصت تن از نمایندگان به دادگاه فراخوانده شدند. در قانون اساسی جمهوری

حکومت اسلامی، نمایندگان مجلس در بیان نظر در حوزه<sup>۶</sup> و ظایف نمایندگی آزاد شناخته شده‌اند و تعقیب و بازداشت آنان منع شده است؛ اما بر خلاف ماده ۱۲ قانون اساسی مشروطه که نمایندگان حتی در مورد فعالیت‌های خارج حوزه<sup>۶</sup> و ظایف نمایندگی نیز دارای مصونیت بودند و تنها با اطلاع و تصویب مجلس سلب مصونیت نماینده امکان پذیر بود، در قانون اساسی فعلی چنین مصونیتی برای نمایندگان وجود ندارد.

۱۱- نام نخست وزیران این دوران و تعداد کابینه‌هایی که تشکیل شد:

۱ - محمد علی فروغی (۵/۶/۱۳۲۰ تا ۱۷/۱۲/۱۳۲۰ - سه کابینه)؛ ۲ - علی سهیلی (۱۸/۱۲/۱۳۲۰ تا ۸/۵/۱۳۲۱)؛ ۳ - احمد قوام (۱۸/۵/۱۳۲۱ تا ۲۴/۱۱/۱۳۲۱)؛ ۴ - علی سهیلی (۲۸/۱۱/۱۳۲۱ تا ۲۵/۱۲/۱۳۲۲ دو کابینه)؛ ۵ - محمد ساعد مراغه‌ای (۶/۱/۱۳۲۳ تا ۱۸/۸/۱۳۲۳ - دو کابینه)؛ ۶ - مرتضی قلی بیات (۳۰/۸/۱۳۲۳ تا ۲۸/۱/۱۳۲۴)؛ ۷ - ابراهیم حکیمی (۱۳/۲/۱۳۲۴ تا ۱۳/۳/۱۳۲۴)؛ ۸ - محسن صدر (۱۶/۳/۱۳۲۴ تا ۲۹/۷/۱۳۲۴)؛ ۹ - ابراهیم حکیمی (۹/۸/۱۳۲۴ تا ۳۰/۱۰/۱۳۲۴)؛ ۱۰ - احمد قوام (۱۸/۱۱/۱۳۲۴ تا ۱۸/۹/۱۳۲۶ - پنج کابینه)؛ ۱۱ - ابراهیم حکیمی (۶/۱۰/۱۳۲۶ تا ۱۸/۳/۱۳۲۷)؛ ۱۲ - عبدالحسین هژیر (۲۳/۳/۱۳۲۷ تا ۱۶/۸/۱۳۲۷)؛ ۱۳ - محمد ساعد مراغه‌ای (۲۲/۸/۱۳۲۷ تا ۲/۱/۱۳۲۹ - سه کابینه)؛ ۱۴ - علی منصور (۱۸/۱/۱۳۲۹ تا ۵/۴/۱۳۲۹)؛ ۱۵ - سپهبد حاجعلی رزم آرا (۶/۴/۱۳۲۹ تا ۱۶/۱۲/۱۳۲۹)؛ ۱۶ - حسین علاء (۲۱/۱۲/۱۳۲۹ تا ۶/۲/۱۳۳۰)؛ ۱۷ - محمد مصدق (۸/۲/۱۳۳۰ تا ۲۵/۴/۱۳۳۱)؛ ۱۸ - احمد قوام (۲۷/۴/۱۳۳۱ تا ۳۰/۴/۱۳۲۷)؛ ۱۹ - محمد مصدق (۳۱/۴/۱۳۳۱ تا ۲۸/۵/۱۳۳۲). منبع: دولتهای ایران، از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹

۱۲ - دکتر اقبال (نخست وزیر و رهبر حزب ملیون) تا آنجا در تقلب و دست اندازی در امر انتخابات پیش رفت که در برابر اعتراض مخالفان مبنی بر اجبار کارمندان دولت به رأی دادن به نامزدهای مورد نظر دولت، بی‌هیچ پرده پوشی‌ای در یک گفتار علنی گفت که کارمندان دولت از دولت حقوق می‌گیرند، باید هم به نامزدهای دولت رأی بدهند! به علت مخالفت‌های درون هیئت حاکمه، اسدالله علم (رهبر حزب مردم) و طرفداران او، منفردین و مطبوعات که اقبال با آنان دشمن بود و طومارهای اعتراضی که از شهرستان‌ها می‌رسید و...، شاه مجبور شد که این انتخابات را مردود اعلام کند.

۱۳ - در دورانی که شاه در اوج قدرت بود، در ماه‌های سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) در تهران و در ماه فوریه ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) در دیزین، اُلویه وارن، سرگزارشگر رادیو-فرانس، چند مصاحبه<sup>۶</sup> طولانی با شاه انجام داد که این مصاحبه‌ها در اکتبر سال ۱۹۷۶ به صورت کتابی به نام شاه، با عنوان «شیر و خورشید»، با مقدمه<sup>۷</sup> کوتاهی از خود شاه در فرانسه انتشار یافت. این گفته‌ها از صفحه‌های ۱۶۱ و ۱۶۲ این کتاب نقل شده است. مشخصات اصل فرانسوی این کتاب از این قرار است:

Mohammad Reza Pahlavi, Shah d'Iran, Le lion et le soleil, Entretiens avec Olivier Warin (grand reporter à Radio-France), Éditions Stock, ۱۹۷۶

۱۴ - منظور «حزب رستاخیز» است.

۱۵ - به پانوش ۱۳ رجوع بفرمایید.

۱۶ - اعتبار نامه<sup>۸</sup> دوازده نفر از جمله آقایان احمد مدنی، خسرو قشقایی، رحمان دادمان رد شد. به آقای غنی بلوریان که از کردستان انتخاب شده بود، اصولاً اجازه<sup>۹</sup> ورود به تهران را ندادند، همان کاری که با آقای دکتر قاسملو در زمان مجلس خبرگان کرده بودند.